

## نظری درباره مدیریت و مالکیت مراتع\*

بی آن که خواسته باشیم وضع موجود مراتع و مسایل اصلی و کلیات شناخته شده آن را بازگو و تکرار کنیم لازم است دو مطلب اساسی را به عنوان مقدمه بیان کنیم:

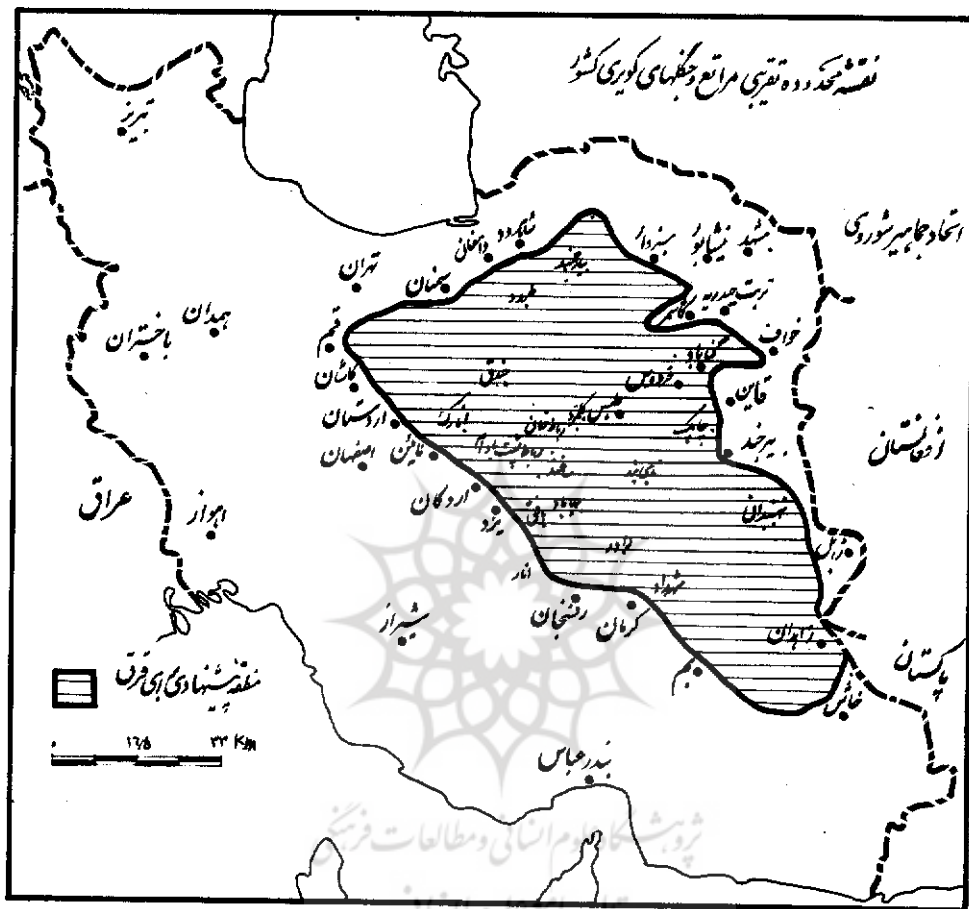
### الف- تبلیغات

واقعیت آن است که اهمیت مراتع و جنگلها برای بسیاری از مردم، مسئولان کشور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روشن نیست. لازم است اقدامات تبلیغی و توجیهی وسیع و دنباله داری در سطح ملی، از طریق رسانه های گروهی انجام شود، تا اهمیت اقتصادی و اکولوژیکی این منبع عظیم که در حال نابودی کامل است مشخص شود. در حقیقت باید حساسیت مقامات دولتی و نمایندگان مجلس را در این مورد، به گونه ای برانگیخت و آنها را با واقعیات آشناتر ساخت.

تصور بسیاری از مقامات و مسئولین کشور، حتی مقامات رده بالا، آن است که مساله مرتع فقط به زندگی دامداران و عشایر و در نهایت تولید گوشت و مواد لبنی از طریق این گروهها مربوط می شود. در حالی که واقعیت و رای این چیزهاست و امروزه مراتع کشور در

---

\* در اصل این مقاله گزارشی است که بنا به سفارش مرکز تحقیقات کشاورزی جهادسازندگی تهیه شده است. می خواستم نام این مقاله را خواب و خیالی درباره مراتع بگذارم. فکر کردم اگر تیر فوق را انتخاب کنم شاید علاقمندان و متخصصان نظر لطفشان شامل گردد و نظریات خود را بجزای درج در مجله تحقیقات جغرافیایی ارسال دارند.



مرحله‌ای از نابودی قرار گرفته‌اند که حتی آینده کشاورزی و صنعتی در بخشهای عمده‌ای از مملکت در معرض تهدید جدی است. با از بین رفتن مراتع و لخت شدن زمینها خاکها دچار فرسایش شدید شده‌اند و این فرسایش نه تنها موجب عدم تجدید مراتع شده بلکه باعث شده تا کوچکترین بارندگی سیلهای مخربی به دنبال داشته باشد. سیلها زمینهای کشاورزی را تخریب و دریاچه‌های سدها را از گل ولای پر می‌کنند. تخریب زمینهای کشاورزی خود به اقتصاد کشاورزی لطمه فراوانی وارد می‌کند.

با پر شدن مخازن سدها، از گل ولای، از ظرفیت آبی و تولید برق آنها کاسته می‌شود.

با کمبود آب و برق بخشهای اقتصاد صنعتی و خانگی مملکت نیز دچار رکود و خسارات می شوند.

واقعیت این است که مساله مرتع مربوط به بسیاری از وزارتخانه ها و ارگانها و نهادها است وزارت کشاورزی، منابع طبیعی، جهادسازندگی، وزارت نیرو، وزارت صنایع، وزارت بازرگانی، وزارت دارایی، وزارت دفاع، وزارت بهداشت و درمان و غیره. اما مدیریت مرتع می بایست در دست یک سازمان باشد که در شورایی عالی آن وزرای مربوطه عضو باشند.

حال با مساله ای باین گستردگی و عظمت آیا به اندازه کافی برخورد تبلیغی و توجیهی به عمل آمده است؟ مسلماً خیر.

اهمیت جلب توجه و افکار مردم و مقامات کشوری و نمایندگان مجلس درباره ارزش مراتع یحدی است که اگر در هر هفته یک برنامه تلویزیونی هم به این مساله اختصاص یابد، باز هم کار زیادی نکرده ایم.

بنابراین پیشنهاد می شود که قبل از هر کاروی سعی شود ارزش و اهمیت همه جانبه مراتع برای عموم و بویژه مقامات دولتی و نمایندگان مجلس روشنتر شود چرا که مساله مرتع و جنگل فقط به عده ای دامدار و عشایر و یا به تولید گوشت و مواد لبنی مربوط نیست.

مطمئناً خسارات ناشی از نابودی مراتع به وزارت نیرو و بخشهای صنعتی کشور در برخی نقاط کمتر از خسارت وارد بر کل سیستم عشایری کشور نیست. اساس فعالیتها در کشور ما بر مبنای آب و تهیه و تامین آن است، مراتع حافظ و نگهدارنده پوشش و فرش طبیعی سرچشمه رودها، جویبارها و چشمه های این مملکت هستند. نابودی مراتع موجب به هم خوردن اکوسیستم کلی طبیعت و از جمله به هم خوردن نظم و نسق رودها می شود. بنابراین برای تبلیغ بیشتر و برانگیختن احساسات عمومی ضرورت دارد حداقل هفته ای بنام هفته مرتع و جنگل انتخاب و در آن هفته سعی شود به طور فشرده ولی با زبانی قابل درک برای عموم، اهمیت همه جانبه مراتع و جنگلها نمایانده و بیان شود.

#### ب نقشه

مساله دیگری که تا حل نشود بسیاری از کارها، بویژه کارهای اجرایی به بن بست خواهد رسید. و مسؤولین اجرایی و افراد ذینفع در عمل با مشکل روبرو خواهند شد، عدم وجود نقشه های بزرگ مقیاس است که در روی آنها حدود و حدود مراتع، دیمزارها و سایر

زمینها (بایر- دایر- موات و غیره) مشخص شده باشد.

نقشه اولین وسیله کار است. تا نقشه های لندیوز لازم آن هم نقشه های سراسری بزرگ مقیاس وجود نداشته باشد همیشه برسر مرز مراتع و دیمزارها و ریگزارها و غیره و غیره مشاجره و اختلاف وجود خواهد داشت. بنابراین مسئولین اجرایی باید اولین گام در برنامه های خود را تهیه نقشه های بزرگ مقیاس بدانند. با تذکر این نکته که چون نقشه های لندیوز بزرگ مقیاس در موارد مختلف مورد نیاز وزارتخانه ها و ارگانهای متعدد است بنابراین باید با تشریک مساعی کوششهای سازمان نقشه برداری کشور تسریع شود. تا زمانی که حد و حدود مراتع مشخص نباشد دست اندازی به آنها آسان بوده و همیشه امکان آن که متجاوزین در دادگاه تبرئه شوند هست. البته نگارنده دقیقاً می داند که تهیه نقشه های لندیوز بزرگ مقیاس مخارج هنگفتی دربر دارد. از ۴۰ سال پیش تا کنون هم غالب مسئولین کشور گفته اند که تهیه نقشه ها وقت و سرمایه زیاد می طلبد و فعلاً مقدور نیست ولی این اولین وسیله و گام اساسی در نظم و نسق دادن کارهای مملکت در زمینه های مرتع، جنگل، کشاورزی، آب، آبخیزداری و غیره است.

البته دولت به اهمیت مساله واقف است و سازمان نقشه برداری کشور هم مشغول کار است ولی باز هم باید اهمیت مساله را بازگو و سازمان نقشه برداری را بیشتر مساعدت کرد تا نقشه برداری کشور تسریع شود، بعلاوه متولیان مراتع نیز باید فشار لازم را وارد آورند و نظر کارشناسی خود را به نحوی اعمال کنند که حد و حدود مراتع و جنگلها در روی نقشه ها مشخص شود.

### مراتع

به نظر نگارنده مراتع را باید به دو بخش کلی و بزرگ تقسیم و شیوه های مدیریت متفاوتی برای این دو بخش انتخاب کرد.

الف - مراتع کویری و حاشیه کویر

ب - سایر مراتع

- مراتع کویری و حاشیه کویر:

ویژگیها:

۱- از حدود ۵۰ سال پیش به این طرف تخریب مراتع و جنگلهای کویری و حاشیه کویری

بحدی زیاد بوده که این مراتع و جنگلها یا کاملاً از بین رفته اند و یا در حال نابودی کامل هستند.

۲- شدت تخریب به حدی است که شرایط کلیمایی - بیولوژیکی و اکولوژیکی این نواحی کاملاً تغییر کرده است.

۳- تخریب بیش از حد باعث شده تا کویر سریعاً گسترش یافته و روز بروز مراتع و جنگلهای حاشیه ای بیشتری را ببلعد.

۴- اغلب ساکنین شهرها و روستاهای بزرگ حاشیه ای به علت تامین سوخت مورد نیاز خود سهم به سزایی در تخریب جنگلها و بالتبع مراتع این نواحی داشته اند به عبارت دیگر نابودی مراتع و جنگلهای کویری در کشور ما قبل از هر چیز به علت تامین سوخت شهرهای بزرگی چون یزد، سبزوار، سمنان، دامغان، شاهرود، کاشان، بیرجند و غیره بوده است.

۵- وسعت زمینهای دیم نسبت به سایر نواحی ناچیز است در حقیقت در بخشهای عمده ای از نواحی کویری عملاً امکان کشت دیم وجود ندارد.

۶- حیوان غالب در این نواحی بز و شتر است

۷- ایلات و عشایر و بهره برداران این نواحی نسبت به سایر نواحی از وسعت، قدرت، تشکیلات و ساختار و انسجام کمتری برخوردارند.

۸- احیای مجدد این مراتع با همه مشکلاتی که دارند، به علت تراکم کمتر انسان و دام نسبت به سایر نواحی، با مشکلات اجتماعی کمتری همراه است.

۹- نمونه های موفقیت آمیزی از احیاء جنگلها و مراتع در این نواحی وجود دارد که نه تنها باعث دلگرمی هستند، بلکه امیدوار کننده اند به عنوان مثال دشت عمرانی یا لوت عمرانی بین تربت حیدریه و گناباد - اطراف خواف، بخشهایی از اطراف سبزوار، ابوزیدآباد کاشان و غیره.

۱۰- چون مساله کویرزدایی یک مساله حادّ روز و جهانی است لذا فعالیت در این زمینه می تواند از پشتیبانی و حمایت سیاسی و اقتصادی داخلی و بین المللی برخوردار شود.

۱۱- تعداد وارسته های گیاهی لازم برای احیاء کویرها نسبت به سایر نواحی محدودتر است. با توجه با این موارد و موارد بسیار دیگر قوانین و مدیریت حاکم بر مراتع کویری باید با سایر نواحی فرق داشته باشد.

از طرفی چون مراتع و جنگلهای کویری شدیداً تخریب و منافع ملی بشدت تضییع شده و در معرض تهدید است لذا باید در احیاء آنها هرگونه ملاحظه و رعایت منافع بهره برداران و

دامداران را کنار گذاشت. چه منافع ملی در این نواحی چنان به خطر افتاده که جز قاطعیت هرچه بیشتر در تصویب قوانینی به نفع و حفاظت از منابع طبیعی و تقویت و پشتیبانی قانونی از مدیریتهای مربوطه کار ساز نیست. و در این راه نباید ملاحظات مربوط به حقوق بهره‌برداران مانع قانونگذاری و اجرای قوانین شود. شاید این پیشنهاد برای عده‌ای ثقیل باشد و بگویند که چگونه می‌توان منافع هزاران بهره‌بردار را نادیده گرفت. که باید در جواب گفت منافع حقه کل جامعه و کل مملکت در خطر است. منافع این افراد مانند منافع کسانی است که منازلشان برای گسترش خیابانها تخریب می‌شود. یا مانند منافع کشاورزان یا دامدارانی است که در زمین و یا مرتعشان ذخایر نفت و گاز کشف شده باشد در هر صورت یا باید قاطع بود و با قاطعیت عمل کرد و یا باید نابدی کامل پوشش گیاهی این مناطق و گسترش کویرها و نابدی هزارها آبادی حاشیه کویر و ... را قبول کرد. با توجه به این که دراز مدت منافع بهره‌برداران فعلی می‌تواند محفوظتر باشد. به نظر نگارنده کوشش و فعالیت در احیاء مجدد مراتع و جنگلهای کویری از اولیوی فراتر از سایر مناطق برخوردار است، زیرا تخریب این نواحی باعث گسترش نواحی حاشیه‌ای شده و اثرات سوء آن روز بروز بیشتر مشهود می‌شود.

کتاب و سفرنامه‌ها و شواهد و اسناد تاریخی حاکی از آن است که حتی تا همین اوایل قرن حاضر نیز نواحی داخل خط مفروض ترسیم شده بر روی نقشه شماره (۱)، از پوشش مرتعی و جنگلی خوبی برخوردار بوده‌اند. داستانها، قصه‌ها و سفرنامه‌ها و گزارشات مربوط به شاهان و خوانین بیانگر وفور حیوانات وحشی در این نواحی است در حالی که امروزه علت کمبود مرتع و درختزارهای کویری گونه‌های مختلفی از حیوانات وحشی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. در تحقیقی که خود این جانب بین سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۲۵ در باره سوخت شهر یزد انجام داده‌ام طبق اسناد میدانهای هیزم فروشی یزد، در فاصله سالهای مذکور، به طور متوسط روزانه معادل ۷۸ تن هیزم و ذغال فروخته شده است. تازه این ارقام مربوط به میدانها (لردهای) هیزم فروشی است و به احتمال زیاد معادل نصف همین مقدار هم توسط خرده فروشها و هیزم کنها و ذغال فروشهای متفرقه فروخته می‌شده است. هنوز در مناطقی مانند رباط پشت بادام، رباط خان، کوههای چشمه خواجه حسن رباط کلمرد، رباط گور، یعنی نواحی واقع در قلب کویر لوت و نمک آثار کوره‌های ذغال بسیاری وجود دارد. تا همین اواخر دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ هر اتوبوس و کامیونی که از مسیرهای طبس به یزد

دیپوک به کرمان، بهاباد به بافق و دیگر مسیرهای کویری حرکت می‌کرد، در جلوه‌ها رباط به سادگی می‌توانست چند کیسه ذغال بادام که بهترین نوع ذغال برای مصارف خانگی، بویژه تریاک کشی است خریداری کند.

با وجود آن که کلیات مساله تخریب و انهدام جنگلها و مراتع کویری کاملاً مشخص است اما جزئیات آن شناخته شده نیست.

پس چه باید کرد؟

برای حل این مساله بزرگ باید ابتدا قوانین لازم را از تصویب مجلس شورای اسلامی گذراند، چون قوانین موجود، قاطعیت لازم را ندارند، مدیریت واحدی را پیش بینی و مشخص نمی‌کنند، اختیارات کافی در اختیار مدیران قرار نمی‌دهند و بالاخره این که راه گریز را برای متخلفان باز می‌گذارند.

قوانینی که از مجلس می‌گذرد باید متضمن نکات زیر باشند:

الف - «قرق» و اعمال حاکمیت دولت بر انفال.

ب - تقویت مدیریت و تشکیلات واحد متولی بر منابع طبیعی احیاء شونده.

ج - چگونگی احیاء منابع تجدید شونده و تخصیص بودجه‌های لازم.

د - چگونگی روابط دولت با ساکنین و بهره‌برداران این نواحی.

ه - برخورد قاطع با متخلفین.

و - گسترش رشته‌های آموزشی و تخصصی مربوط به احیاء مراتع کویری و غیره در

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی.

ز - گسترش مؤسسات تحقیقاتی موجود و ایجاد مؤسسات تحقیقاتی جدید در زمینه احیاء

منابع طبیعی تجدید شونده.

در مورد قرق نواحی کویری پیشنهاد می‌شود:

۱ - قوانینی در مجلس تصویب شود که بر طبق آنها کلیه نواحی داخل محدوده ترسیم

شده در روی نقشه شماره (۱) به استثناء زمینهای شهری و زمینهای کشاورزی آبی به طور

کامل به مدت ۱۵ سال قرق شوند.

چرای دام به شرطی جایز باشد که کارشناسان مسؤل، آن را برای رشد و احیاء مرتع و

جنگل لازم بدانند و لاغیر.

۲ - در این نواحی وسعت و درصد دیمزارها بسیار کم و بازده آنها بسیار ناچیز است

بنابراین باید کشت دیم و شخم زدن زمینهای غیر آبی در کل ناحیه ممنوع اعلام شود.\*

۳- در این نواحی هیچ قانونی نباید با رشد و بقای منابع طبیعی تجدید شونده بویژه مرتع و جنگل مغایرت داشته باشد برای این منظور باید قانونی تصویب شود که بر مبنای آن تصویب هر قانونی و در هر زمینه‌ای، در این نواحی، با تایید کمیسیون منابع طبیعی مجلس و یا مشورت متولی یا متولیان رسمی اجرای قانون منابع طبیعی احیاء شونده، در آن نواحی باشد.

۴- چنانچه قوانین موجود با قوانین احیاء مجدد منابع طبیعی احیاء شونده، در این نواحی مغایر و یا متضاد هستند، سریعاً اصلاح شوند.

۵- باید اهمیت حیاتی مسأله برای اعضای محترم شورای نگهبان آن چنان واضح و مبرهن شود که تصویب هرگونه قانونی را که مغایر با حفظ و حراست از انفال بویژه مرتع و جنگل، در این نواحی است، مغایر با قوانین اسلامی و مغایر با منافع امت اسلامی تلقی کنند.

۶- باید در مجلس یا هیأت دولت قانونی تصویب شود که براساس آن نماینده منابع طبیعی (یا هر سازمانی که متولی مراتع و جنگلهای این نواحی است) در جلسات و شوراهای استان، شهرستان، بخش، و حتی در جلسات شورای تأمین، حضور داشته باشد.

۷- کلیه زمینهای خارج از محدوده شهرها و زمینهای آبی روستاها باید در اختیار سازمانی که احیاء مجدد منابع طبیعی تجدید شونده این نواحی را برعهده دارد، قرار گیرد و هرگونه دخل و تصرف، از طرف سازمانها و ارگانهای دولتی و خصوصی و اشخاص باید با اجازه منابع طبیعی باشد. سازمانهای ذیربط در مقابل دریافت زمین می بایست خسارت وارده را با تقبل و مشارکت در احیاء جنگلها و مراتع جبران کنند. مثلاً اگر محدوده وسیعی برای استفاده از ذخایر معدنی آن (ذغال سنگ یا سنگ آهن و غیره) در اختیار سازمان مربوطه قرار می‌گیرد باید کارشناسان منابع طبیعی محدوده‌ای را مشخص کنند تا آن سازمان جنگل کاری کند و یا بودجه لازم را در اختیار قرار دهد تا متولی احیاء مجدد مراتع و جنگلهای کویری خود این کار را انجام دهد.

اما با مردم چه باید کرد؟

\* شاید این تصور پیش آید که این سخن از روی ناپختگی و یا عدم آشنایی به اهمیت و گستردگی کار و یا خسارتی که به بهره‌برداران وارد می‌شود و یا عدم اطلاع از مشکلات اجرایی کار است ولی حقیقت این است که با توجه به تمام مشکلات، ولی با درک اهمیت حیاتی مسأله، این پیشنهاد پردردسر را ارائه می‌دهم.



مسئلاً اگر قرقی به این گستردگی انجام شود و مردم، آن هم مردمی که به نحوی منافع خود را از دست داده‌اند، در آن مشارکت و یا منافعی نداشته باشند، کار موفقیت آمیز نخواهد بود، پس چه باید کرد؟ ابتدا باید ببینیم مردم چه می‌خواهند؟ واضح است که مردم عاشق دامداری یا عاشق زندگی بدوی در صحراها نیستند بلکه آنها در جستجوی راهی برای امرارمعاش و زندگی و یا برای بهتر و مرفه زندگی کردن هستند لذا برای موفقیت به پول و درآمد نیاز دارند و درست به همین منظور هم جنگلها و مراتع کویری را نابود کرده‌اند. همین مردمی که برای کسب درآمد جنگلها را تخریب کرده‌اند، مسلماً برای کسب درآمد حاضرند در بازسازی آن مشارکت کنند. اما چگونه؟ و با چه مدیریتی؟

اول باید از طریق قانون به آنها فهماند که کویر به دولت و همه ملت ایران تعلق دارد و نه به چند صد هزار نفر ساکن کویر و یا چند صد خانواده بهره‌بردار بزرگ.

دوم، وقتی مالکیت دولت و ملت مسجل شد آن وقت باید از ساکنین کویر دعوت به همکاری شود. نگارنده برای تنظیم گزارش حاضر، به نواحی داخلی کویر مانند اطراف دیهوک، رباط خان، رباط پشت بادام و نواحی حاشیه‌ای کویر مثل داورزن، سنخواست و جاجرم مسافرت و همه جا با افرادی که شغل اصلی آنها در گذشته نه چندان دور، تهیه ذغال و هیزم بوده است برخورد کردم، هنوز هم عده‌ای از آنها به بطور مرتب ولی گاه گاه این کار را می‌کنند.

پسران احمد خان رباط کلمردی، پسران حاج رسولی رباط خانی، پسران شیخ قهوه‌چی رباط پشت بادامی همه هنوز زنده هستند و فعال. فرزندان رضا حکیم یزدی که شغلشان حمل هیزم و ذغال از داخل کویر به یزد بوده است هنوز زنده‌اند.

اینها از محل دقیق جنگلهای کویری اطلاع کامل دارند و می‌دانند که تبرهای کارگرانشان در کجاها درختان را قطع کرده‌اند. تعیین محل این جنگلها در واقع از دوراه ممکن است. یکی از همین راه ساده که این اشخاص را باید یافت و تادیر نشده و تا هنوز آنها زنده‌اند محل دقیق جنگلها را در روی نقشه مشخص کرد دیگر آن که دست به دامان دهها کارشناس و متخصص و مستشار و عکس‌هوایی و ماهواره‌ای و غیره شد تا محل جنگلها مشخص شود. اما بهترین و مهمترین راه همانست که:

- کارشناسانی با کمک همین افراد، محل واقعی جنگلهای کویری را در روی نقشه مشخص کنند.

- با کمک همین افراد محلی جنگلهای نابود شده را احیاء کنند که بالتبع در پای درختان مرتع نیز احیاء خواهد شد.

پس از قرق نواحی کویر باید آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- نواحی که در محدوده آنها روستایی یا رباطی و یا گروهی دامدار وجود ندارد و خلاصه کلام نواحی که مدعی ندارند.

۲- نواحی که دارای مدعی هستند و با قرق شدن آنها، مدعیان دچار کاهش درآمد و خسارت خواهند شد (ذکر این نکته ضروری است که هیچ ادعایی نباید مانع قرق شود و حق بهره برداری و حریم روستا در نواحی کویری لغو و اولویت با حق اجاره باشد).

- در مورد نواحی دسته اول سازمان ذیربط که همان سازمان متولی احیاء مجدد مراتع کویری است می تواند:

- مستقیماً عمل کند، که می بایست به عنوان مدل و نمونه هم که شده در عمل بخشهایی را خود احیاء کند.

- با اجرای طرحهای مرتع داری احیاء نواحی را به مردم واگذار کند.

در مورد دسته دوم بهتر است احیاء مراتع طی طرحهایی به مردم واگذار شود.

نحوه عملکرد دولت با آنچه که مردم می خواهند و عمل می کنند فرق می کند و هر یک مسایل خاص خود را دارند که فعلاً بدان نمی پردازیم.

مسلماً برای اجرای هر طرحی سرمایه لازم است پس اول باید برای تهیه سرمایه لازم فکر کرد. پیشنهاد نگارنده این است که:

- بانکی به نام بانک مرتع و جنگل یا مشارکت سهام دولتی و مردم و احتمالاً سهام بین المللی تشکیل شود.

- این بانک باید بتواند مثل سایر بانکها در زمینه های مختلف فعالیت داشته باشد ولی

هدف کلی و اصلی آن باید تأمین اعتبار برای اجرای طرحهای مرتعداری و جنگلداری در کل مملکت باشد (چه برای مناطق کویری و چه غیر کویری).

- سازمان متولی احیاء مراتع باید در مدیریت بانک مشارکت مستقیم داشته باشد.

- تمام نواحی کویری باید به قطعات مثلاً ۱۰ کیلومتر × ۱۰ کیلومتر یعنی قطعات

۱۰۰ کیلومتر مربعی که معادل ۱۰/۰۰۰ هکتار است تقسیم شود. هر یک از این قطعات

باید پلاک ثبتی مشخص و معینی داشته باشد (ابعاد قطعات با نظر کارشناسان می تواند

وسیعتر و یا کوچکتر در نظر گرفته شود).

- سازمان متولی احیاء مراتع می بایست قوانینی از مجلس بگذرانند که بر طبق آنها:  
- سازمان بتواند قطعات مزبور را به صورت اجاره به مدت ۳۳ سال در اختیار افراد حقیقی یا حقوقی و یا شرکتهای قرار دهد.

- نحوه و نوع استفاده از قطعات باید به وسیله سازمان مشخص شود. (مثلاً قطعه ۱۸۰ برای احیاء جنگل بادام و قطعه ۱۹۵ برای احیای جنگل پسته)

- پس از تنظیم اجاره مستاجر می تواند بلافاصله از بانک درخواست وام کند و باید درخواست وی قبول شود.

- میزان وام بستگی به کاربری قطعه مورد اجاره و نوع طرح ارائه شده از طرف مستاجر دارد.

مثلاً کسانی که در احیاء جنگلهای بادام، پسته و یا گیاهان دارویی اقدام می کنند وام بیشتری دریافت خواهند کرد.

- پس از انقضای مدت اجاره مستاجر یا وراث قانونی او حق داشته باشند مال الاجاره را تا دو دوره دیگر (مجموعاً ۹۹ سال) اجاره کنند.

- دولت حق داشته باشد کارشناسان خود را مرتباً برای کنترل اجرای طرح به محل گسیل دارد.

ضمناً دولت حق داشته باشد هر ۵ سال یک بار در صورتی که مستاجر به تعهدات خود عمل نکرده باشد قرارداد اجاره را فسخ و حقوق خود را مطالبه کند. دادگاه صالحی به شکایات طرفین رسیدگی و رای لازم را صادر می کند.

مستاجر حق داشته باشد با اطلاع سازمان ذی ربط و بانک مربوطه حق الاجاره خود را به غیر واگذار کند.

- بنابراین با اجرای طرح مرتعداری عده ای مشغول به کار خواهند شد. اما در مناطق کویری فعالیتهای دیگری از جمله فعال کردن معادن را نیز می توان تشویق کرد. به این ترتیب که تعدادی از افرادی که با قرق مراتع دچار کاهش درآمد شده اند را می توان در معادن به کار گرفت. معادن ذغال سنگ حوزه طبس، معادن انواع فلزات حوزه رباط خان. ساغندو معادن دیگر.

- تشویق و دادن اعتبارات لازم جهت گسترش صنایع دستی و صنایع کوچک ماشینی

و قالی بافی در این نواحی.

با قرق مراتع کویری بزرگترین صدمه به شترداران وارد خواهد شد، طبق ضوابطی با نظر کارشناسان می توان تعداد شترها را تحت کنترل درآورد و به نحوی خسارت وارده بر صاحبان آنها را، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، جبران کرد و یا مناطق ویژه ای را با ضابطه آیش و استراحت زمین در اختیار شترداران قرارداد.

(قرق و احیاء مراتع کویری حتی اگر منجر به مهاجرت بخش بزرگی از بهره برداران مراتع و جنگلهای کویری به شهرها شود به نظر من اشکالی ندارد چه با احیاء مجدد این منابع، ناحیه برای بهره برداری اصولی آن چنان مساعد خواهد شد که دوباره نیروی زیادی را جذب خواهد کرد. مسلماً اجرای این طرح مستلزم مطالعات وسیع و همه جانبه و عمیق است لیکن اگر قوانین لازم و مدیریت واحد و قوی و ایجاد بانکی که اعتبارات را تقبل کند و تصمیمی راسخ برای احیاء مراتع و جنگلهای این بخش از کشور وجود نداشته باشد کویر سایر نواحی مجاور را نیز خواهد بلعید).

- سایر مراتع (کلیه مراتعی که خارج از محدوده نقشه شماره (۱) هستند)

ویژگیها:

- ۱ - شدت تخریب در این مراتع نیز بسیار زیاد است.
- ۲ - تراکم جمعیت بهره بردار و مدعی در این نواحی بالا است.
- ۳ - بهره برداران بیشتر افراد بومی و یا عشایر کوچرو هستند که نسبت به این مراتع ادعای مالکیت یا حق بهره برداری دارند.
- ۴ - ایلات و عشایر بهره بردار در این نواحی دارای ساختار و تشکیلات منسجم سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی بوده اند و هنوز بقایای این تشکیلات برجاست. در سی سال اخیر این تشکیلات یا کلاً از هم پاشیده و یا آن چنان سست شده که کاربرد چندانی ندارد. ولی به جای این تشکیلات سنتی منسجم یک سیستم تشکیلاتی جدید و موفق جایگزین نشده است. در حقیقت امروزه جوامع عشایری مانند کارخانه های بدون مدیر و تشکیلات شده اند.
- ۵ - در این نواحی وسعت زمینهای دیم بسیار زیاد و روز بروز نیز در حال گسترش است، به طوری که در بسیاری از نواحی جدا کردن مرتع از زمین دیم، کار مشکلی است و

همیشه هم عده‌ای برای تملک مراتع در حال تخریب آنها هستند.

- ۶- تراکم دام (عشایری و غیر عشایری) در این مراتع چندین برابر ظرفیت آنها است.  
 ۷- احیاء مجدد این مراتع به علت وجود بهره‌برداران عشایری و غیر عشایری و بویژه کسانی که می‌خواهند با تخریب مراتع صاحب دیم زار شوند کاری است بس مشکل.  
 چه باید کرد؟

در این مراتع به علت وجود تعداد زیاد بهره‌برداران و ساختار تشکیلاتی آنها و منافع که برخی افراد برای بزرگ جلوه دادن این بهره‌برداران و نقش اجتماعی اقتصادی آنها دارند، نمی‌توان همان راه حل بخش یک را در پیش گرفت. بعلاوه اگر همه این مراتع قرق شوند، تکلیف دامهای این نواحی چیست؟

با ذکر این نکته که اعمال تمامی موارد مطرح شده در بخش اول اعم از تبلیغات، تهیه نقشه‌های سراسری مراتع کشور که بر روی آن حدود مرز مراتع و جنگلها از سایر نواحی مشخص شده باشد، وضع قوانین جدید، ایجاد مدیریت و تشکیلات واحد، برقراری سیستم بانکی و... برای این بخش نیز لازم است. موارد دیگری که اختصاصاً مربوط به مراتع دسته دوم کشور است پیشنهاد می‌شوند.

۱- اقدام ضربتی در تهیه نقشه‌های ثبتی و سامان عرفی این مناطق و تعیین حد مراتع و زمینهای دیمی و تعیین حدود مراتع هر جامعه بهره‌بردار، در رده‌های ایل، طایفه، تیره، تش، اولاد و حتی مال.

۲- رمه گردانی، برنامه‌ریزی بر روی طرحی در مورد تغییر شیوه زندگی بهره‌بردارای به عنوان مثال طرحی که حداکثر طی مدت ده سال زندگی عشایری به اقتصاد و شغل رمه گردانی تبدیل شود. (به مقاله گذار از کوچ نشینی به رمه گردانی مراجعه شود<sup>۱</sup>) به صراحت باید گفت که تشکیلات ایلی از هم پاشیده و تشکیلات جدیدی هم جایگزین آن نشده و احتیاجی هم نیست که آن سیستم و روال قدیم دوباره احیاء شود و اصلاً امکان هم ندارد. پس باید زندگی کوچ نشینی به شغل رمه گردانی تبدیل شود. اگر اقتصاد مبتنی بر تولید لیبیات به تولید گوشت تبدیل شود، اولاً حرکت زن و بچه به دنبال دام لزومی ندارد، ثانیاً در حد غیر قابل تصویری از بوته کنی جلوگیری می‌شود. (چون دیگر جوشاندن شیر لازم

۱- محمد حسین پاپلی یزدی، گذار از کوچ نشینی به رمه گردانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان ۱۳۶۴، صفحات ۲۶۵-۲۸۶؛ فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره دوم، بهار ۶۷.

نیست و بدین طریق وضع مراتع و پوشش گیاهی بهبود قابل توجهی می یابد و خدمات رسانی به بهره برداران نیز آسانتر خواهد شد.

۳ - تشویق عشایر به استفاده از وسایل تکنیکی جدید که در نهایت به کاهش مصرف هیزم و کاهش بوته کنی منجر می شود. مثلاً استفاده از چرخ شیر برای گرفتن چربی شیر (به مقاله چرخ شیر یک تحول تکنیکی مراجعه شود)<sup>۲</sup> و یا استفاده از ماشین برای حمل و نقل به جای حیوانات چارپا (به مقاله ماشینی شدن وسایل حمل و نقل کوچ نشینان و اثرات، اجتماعی، اقتصادی آن مراجعه شود)<sup>۳</sup> بدین ترتیب تا اندازه ای جلوتر اکم دام بر روی مراتع گرفته می شود (هرچند عملاً دامداران به ازای کم کردن یک قاطر، چهار گوسفند به تعداد دامهایشان خواهند افزود).

۴ - کنترل دقیق ورود و خروج دامداران در مراتع بدین ترتیب که باید به شدت جلو چرای پیش رس و طولانی شدن مدت چرا گرفته شود.

۵ - کنترل دقیق مراحل اکولوژیکی و اقتصادی، به طور مثال (به مقاله نقش تغییرات آب و هوایی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۵۰ در تخریب مراتع و افزایش مصرف جو در خراسان مراجعه شود)<sup>۴</sup>؛

۶ - تشویق کشاورزان و نیمه کوچ نشینان به کشت گیاهان علوفه ای بیشتر.

۷ - آموزش روشهای صحیح خشک کردن، سیلو کردن، مخلوط و ترکیب و ... انواع گیاهان علوفه ای.

۸ - ایجاد کارخانه های لازم جهت تهیه مشتقات علوفه ای و تهیه کنسنتره های لازم.

۹ - اصلاح مراتع و در بسیاری مناطق، اصلاح مراتع توأم با احیاء جنگلها.

مسأله مالکیت:

تا مسأله مالکیت مراتع حل نشود و تا دولت در این مورد تصمیم نهایی و قطعی نگیرد، مراتع آباد نخواهند شد هیچ کس خانه دیگری را تعمیر نمی کند و اگر بکند طمعی و یا توقعی

۲ - محمد حسین پاپلی یزدی، چرخ شیر یک تحول تکنیکی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان ۱۳۶۳، صفحات ۲۲۱-۲۶۶.

۳ - محمد حسین پاپلی یزدی، ماشینی شدن وسایل حمل و نقل کوچ نشینان و اثرات اجتماعی، اقتصادی آن مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، پاییز و زمستان ۱۳۶۳، صفحات ۳۷۱-۴۲۶.

۴ - محمد حسین پاپلی یزدی، نقش تغییرات آب و هوایی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۵۰ در تخریب مراتع و افزایش مصرف جو در خراسان، در مجموعه مقالات سمینار بین المللی جغرافیا شماره ۱، به کوشش محمد حسین پاپلی یزدی.

دارد. روزگاری مراتع به جامعه ایلی تعلق داشت و خان نماینده آن جامعه بود. با ملی شدن مراتع، مالکیت ایلات و حاکمیت خوانین بر مراتع از بین رفت و چیزی هم جایگزین آن نشد بنابراین یکی از دلایل عمده تخریب مراتع همین مسأله اساسی است. امروزه امکان ندارد و صحیح هم نیست که جامعه و ریاست ایلی را دوباره احیاء کرد تا با کمک آنها مراتع اصلاح بشوند. مسلماً از هم پاشیدن سیستم کهن و ایجاد نظم نوین و عملی کردن اصلاحات پیشنهادی مشکلات و گرفتاریهای زیادی به همراه دارد. طرفداران نظم کهن دچار هراس خواهند شد و کوشش خواهند کرد تا جلو اصلاحات را بگیرند و نظام پوسیده کهن را استوار سازند لذا برای اجرای اصلاحات، افرادی مصمم و قاطع که بتوانند امکانات قانونی مالی و انتظامی را فراهم آورند لازم است. احیاء و آباد کردن مجدد مراتع به ایده‌ها و افکار نو، سیستم و تشکیلات و مدیریت قوی و مدرن، سیستم بانکی مدرن، تکنولوژی مدرن و ایجاد رقابت اقتصادی نیاز دارد. هیچ کدام از این کارها را نباید از افراد ساده ایلی و عشایری توقع داشت.

افراد ایلی (در سراسر ایران) در حال حاضر روحیه‌ای متفاوت از گذشته دارند و بر خلاف گذشته هر فرد ایلی پیش از آن که خود را متعلق به ایل بداند ایل را متعلق به خود می‌داند. بدین صورت که او وقتی منفعتی (بهره‌برداری از مراتع، استفاده از خدمات دولتی و...) در کار باشد خود را ایلی می‌داند اما وقتی زیان و مخارجی در کار باشد خود را فردی حقیقی و حقوقی معرفی می‌کند. فرد ایلی در حال حاضر درگیر تحولی عظیم است به عبارت دیگر او در حال عبور از حالت روانی و پندار ایلی است یعنی به جای آن که خود را جزئی از کل یک جامعه بداند، خود را فردی مستقل از آن جامعه می‌یابد. البته ایجاد این طرز تفکر به نفع دولت و امنیت ملی است چه اگر مانند گذشته افراد خود را متعلق به ایل می‌دانستند، خانها برضد دولت مرکزی لشکرکشی می‌کردند و مردم هم همراه آنها بودند، دیگر کسی بدون اجازه خان به سربازی نمی‌رفت و حتی داماد نمی‌شد. او مال و جانش را در راه ایل و خان می‌داد و حتی در برخی ایلات (بیشتر خارج از ایران) ناموسش را هم در شب زفاف به خان می‌سپرد، مسلماً ایل هم از افراد خود دفاع می‌کرد وقتی کسی از ایل کشته می‌شد مانند آن بود که خون ایل ریخته باشد و ما قوانین ایلی در مورد خون را خوب می‌شناسیم.<sup>۵</sup>

۵- ژان بی بردیگار، ترجمه اصغر کریمی، عملکرد ساختار انشعابی و ساختار قدرت در جامعه ایلی و کوچ نشین بختیاری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۶۸، صفحات ۱۸۲-۲۵۴.

روحیه فردگرایی بهترین شرایط اجرای فرامین و قوانین در ایلات را در اختیار دولت می‌گذارد حال اگر از این روحیه فردگرایی درست استفاده شود نتیجه کار به نفع همه خواهد بود (هم ایل هم فرد ایلی و هم دولت) در غیر این صورت همه ضرر خواهند کرد. چون تشکیلاتی وجود داشته که از هم پاشیده است و وجود یک تشکیلات بد بهتر از نبود آن است. روحیه فردگرایی به نفع بانکها نیز هست و سیستم بانکی کشور بیشتر تمایل دارد که سروکارش با یک فرد و یا با افرادی که شرکتی را ایجاد کرده‌اند، باشد و نمی‌تواند و نمی‌خواهد که با تشکیلات سنتی ایلی معامله کند یا اعتبار بدهد.

حال با وجود این روحیه برای مالکیت مراتع چه باید کرد؟

مرتع جزو انفال است و دولت اسلامی مسؤول نگهداری آن و عملاً مالک آن است، اما دولت یا نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند از این حق قانونی خود استفاده کند. او در حقیقت صاحبخانه تماشاگری است که خانه‌اش را پیش چشمش ویران می‌کنند. و مالکی است که ریش و قیچی را به دست مستاجر داده است و مستاجر هم از حد گذرانده و اجازه هیچ‌گونه اصلاح و تعمیری را به صاحب‌خانه نمی‌دهد. در اینجا دولت باید از حق قانونی خود استفاده کند و اگر برایش ممکن نیست آن را به دیگری واگذار کند. اما چگونه؟

رعایت عدالت اجتماعی در اصلاح مراتع کاریست بس دشوار ولی اگر خواهان احیاء مراتع هستیم نباید خیلی خودمان را به رعایت عدالت اجتماعی آن هم برای قشری خاص، محدود کنیم البته تا حد ممکن باید بکوشیم تا حقی از کسی ضایع نشود اما مهم‌ترین است که حق کل ملت و حقوق نسلهای آینده ضایع نشود. چون مرتع به تمامی افراد ملت و نسلهای آینده تعلق دارد نه به قشری خاص و بهره‌برداران مستقیم آن.

پیشنهاد اینست که در حال حاضر باید مراتع را اجاره داد ولی به چه کسی؟ و چگونه؟ جواب این است که باید مراتع را به افراد و شرکتهای مرتعدار اجاره داد. نتیجه‌ای که ما در جستجوی آن هستیم اصلاح و احیاء مراتع است که اگر انجام شود وضع اقتصادی همه بهره‌برداران هم بهتر خواهد شد. باید به صراحت بگویم که اگر مدیریت مراتع در احیاء مجدد مراتع نگران رعایت عدالت اجتماعی و حقوق کلیه بهره‌برداران باشد و اگر قرار باشد به هر کسی که راس گوسفند دارد یک تکه مرتع داده شود نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی کامل مراتع و گسترش کویرها به بار نخواهد آمد. تصور من این است که یکی از عمده‌ترین دلایلی که مسؤولان، نمی‌توانند مراتع را اصلاح کنند همین خواست و توجه آنها به رعایت



عدالت اجتماعی و ترس آنها از سروصدای مردم است. مدت‌ها است که ترس دولت و مسئولین کشوری از خانها و تشکیلات سیاسی، نظامی ایلات از بین رفته اما هنوز ترس از مدعیان مراعات از بین نرفته و در مقابل حفظ و حراست و یا تخریب کامل بهترین و عظیمترین منبع ثروت کشور دچار تردید و دودلی شده‌اند.

- مرتع جزو انفال است و اداره کلی آن با دولت و در حقیقت درید دولت اسلامی است.

- مراعات باید به صورت مشروط به اشخاص حقیقی و حقوقی (شرکتها) برای بهره‌برداری صحیح و علمی طبق ضوابط پیشنهادی صحیح به مدت ۳۳ سال اجاره داده شود.

- اولویت حق استفاده با شرکتهایی می‌باشد که از افرادی که قبلاً از آن محل بهره‌برداری می‌کرده‌اند تشکیل شده‌اند. (یعنی جامعه بهره‌بردار باید شرکتی را تشکیل دهد و آن را به ثبت برساند و هیأت مدیره و مدیر عامل انتخاب کند)

- اولویت بعدی با فرد یا افرادی است که در محل مورد اجاره حق بهره‌برداری دارند.

- دولت حق داشته باشد قرارداد اجاره کسانی (شرکت یا فرد) که قادر به حفظ مرتع نیستند را لغو و مورد اجاره را به دیگری واگذار کند.

- حساب مرتع و مرتعدار باید از نظر حقوقی و مالی از حساب دامدار جدا شود (هرچند ممکن است هر دو یکی باشند)

- مرتعدار شخص یا شرکتی است که ممکن است دامدار نباشد ولی مرتع را طبق شرایطی از دولت اجاره می‌کند و پس از اصلاح، آن را برای بهره‌برداری (در قبال وجه) در اختیار دامداران (اولویت با افراد بومی) قرار می‌دهد.

- حدود مرتع مورد اجاره سامان عرفی بهره‌برداری بخشی از جامعه ایلی و یا روستایی است مانند مراعات متعلق به یک طایفه یا تیره یا یک مال (مله، محله، بینه، ...)

شرایط اجاره:

۱ - شخم زدن و یا قطعه بندی مرتع ممنوع باشد.

۲ - مرتعدار باید نظارت کامل داشته باشد تا چرای مفرط، چرای رودرس، چرای بیش از زمان معین شده توسط کارشناسان انجام نشود. در این مورد لازم است تقویم بهره‌برداری از مراعات توسط کارشناسان منابع طبیعی مشخص شود.

۳ - در بخشهایی از کشور، البته با نظر کارشناسان، باید مرتع به دو آیش تقسیم و از هر

آیش در یک سال بهره برداری شود. مرتعدار باید موظف باشد و دقت کند که در بخش تحت آیش چرا صورت نگیرد.

۴ - مرتعدار حق داشته باشد، از بانک مرتع و جنگل تقاضای وام کند. بدیهی است میزان وام، و نوع مصرف آن طبق نظر کارشناسان مرتع خواهد بود.

۵ - مرتعدار باید فردی باسواد (حد اقل دیپلم و در موارد استثنایی سوم راهنمایی) را برای فراگیری اصول مرتعداری به اداره متولی مراتع معرفی کند. و اگر این فرد معرفی نشود و آموزش لازم را نیندند و یا در ظرف ۵ سال موفق به اخذ مدرک و یا گواهی پیش بینی شده نشود، دولت حق داشته باشد قرارداد اجاره را لغو کند. البته برای مرتعدار یک راه باقی می ماند که مرتع را در تصرف خود نگهدارد و آن استخدام و معرفی فردی است که گواهی و یا مدرک مرتعداری قابل قبول جهت مراتع را داشته باشد. در حقیقت پس از ۵ سال فرد مرتعدار یا شرکت مرتعدار به عنوان سرمایه گذار و فرد آموزش دیده به عنوان مدیر مرتع شناخته خواهند شد، مرتعداری باید مثل داروخانه داری باشد و کسی که دارای مدرک تحصیلی و تخصصی مربوطه است باید مدیریت مرتع را عهده دار باشد.

۶ - مرتعدار، مرتع مورد اجاره را برای بهره برداری فصلی با توجه به حق اولویت به دامداران واجد شرایط بومی که دارای حق بهره برداری عرفی هستند، در مقابل دریافت وجه، واگذار کند ولی مسؤلیت مرتع بر عهده او باشد و در صورتی که افراد بهره بردار شرکتی تشکیل داده باشند مدیر عامل شرکت در مقابل دولت مسؤل باشد.

۷ - مرتعدار حق داشته باشد با اجازه دولت (سازمان متولی مراتع) به احیاء جنگلهای مخروبه واقع در محدوده مرتع خود اقدام و از آنها بهره برداری کند. باید توجه داشت که احیاء جنگل با باغداری اشتباه نشود.

۸ - دولت فقط باید فرد یا شرکت مرتعدار را مسؤل بداند و از او حمایت کند.

۹ - مستأجر حق داشته باشد با اجازه دولت تاسیسات لازم را احداث کند. ولی مستحدثات واقع در مرتع نباید مانع لغو قرارداد اجاره باشد. در صورت فسخ اجاره مستاجر بعدی قیمت تاسیسات را با نظر کارشناسی به مستاجر قبلی پرداخت خواهد کرد و اگر مستاجری پیدا نشود دولت خود مخارج تاسیسات را به مستاجر پرداخت کند.

۱۰ - در صورتی که مرتعدار حقوق و ضوابط دولت را رعایت کرده باشد، مدت اجاره تا سه دوره ۳۳ ساله یعنی ۹۹ سال (برای فرد یا شرکت مرتعدار یا وراثت قانونی آنها) قابل تمدید باشد.

۱۱ - مرتع به هیچ وجه قابل تفکیک و قطعه بندی نبوده و وراث فقط از درآمد مرتع سهم ببرند و حق تفکیک و تکه تکه کردن آن را نداشته باشند.

۱۲ - مرتعدار حق داشته باشد با اطلاع سازمان مربوطه مال الاجاره را به غیر واگذار کند و حتی از این راه سود ببرد. مستاجر جدید هم باید تمام ضوابط دولتی را رعایت کند.

۱۳ - هر یک از اعضاء شرکت مرتعداری حق داشته باشند سهم خود را به غیر واگذار کنند. منظور این است که مرتعداری باید توأم با سود باشد و مرتعدار بداند که در صورت رعایت ضوابط دولتی امنیت مالی او تضمین خواهد شد.

۱۴ - دولت حق داشته باشد در صورت عدم رعایت ضوابط دولتی و یا عدم اصلاح مرتع توسط مرتعدار هر ۵ سال یک بار مورد اجاره را فسخ و خسارت وارده را از مستاجر بگیرد. البته مستاجر حق دارد به دادگاه صالحه مراجعه کند و حکم دادگاه نیز قطعی خواهد بود.

۱۵ - برای تامین بودجه اداره تشکیلات کنترل کننده و اعطای وامهای طویل المدت و آموزش افراد، تأسیس دانشکده ها و مؤسسات تحقیقاتی دولت حق داشته باشد مالیات ویژه ای بر هر کیلو گوشت وضع کند. به نظر من در حال حاضر این مالیات می تواند از ۵۰ ریال برای هر کیلو گوشت سرد و ۱۰۰ ریال برای هر کیلو گوشت گرم خروجی از کشتارگاه متغیر باشد. این مالیات حتی می تواند به گوشت سفید نیز تعلق بگیرد.

- نظر نگارنده در مورد کوچ و اسکان، همان است که در مقاله ضمیمه گذار از کوچ نشینی به رمه گردانی آمده است. دوران کوچ به سرآمده است باید دام با چوپان و چند مرد متحرک باشد ولی خانواده های دامداران ساکن باشند. زندگی کوچ نشینی باید به دامداری متحرک تبدیل شود، چرا که اگر دامها کوچ نکنند و متحرک نباشند، با کمبود شدید علوفه روبرو خواهیم شد و بعلاوه بخشهایی از مراتع مملکت، یعنی مراتع ییلاقی و قشلاقی مورد بهره برداری قرار نخواهند گرفت.

برای تامین گوشت مورد نیاز مردم باید تولید گوشت سفید (مرغ، ماهی) را افزایش داد حتی اگر به وارد کردن بیشتر دان از خارج منجر شود. از طرفی باید مضرات مصرف زیاد گوشت به مردم گفته شود و باید کاری کرد که مردم در جیره غذایی خود گوشت کمتری مصرف کنند.

- اگر قصد داریم که مراتع احیاء و اصلاح شوند برای تامین گوشت گوسفند و گاو باید بیشتر به دامپروریهای ساکن تکیه کنیم تا دامداری متحرک (حتی اگر میزان واردات علوفه

## افزایش یابد

- حتی اگر دولت مجبور شود که واردات گوشت را افزایش داده و ارزی بیشتری به این کار اختصاص دهد بهتر از این است که اجازه دهد مراتع دچار چرای مفرط شوند چون چرای مفرط باعث از بین رفتن مراتع و کمبود مرتع خود باعث کمبود تصاعدی گوشت خواهد شد و در آن صورت دولت مجبور است گوشت بیشتری وارد کند.

- دولت باید کشت علوفه را ترویج کند.

- بانک مرتع و جنگل (پیشنهادی) باید به متقاضیان کشت علوفه وام بدهد.

- باید از طریق اعتبارات حاصله از مالیات گوشت به کشتکاران علوفه آموزش و

کمکهای فنی لازم داده شود.

نتیجه گیری:

- مرتعداری باید شغلی سودآور و حسابش نیز از دآمداری جدا باشد.

- باید قوانینی وضع و شرایطی ایجاد و امکاناتی فراهم شود که مرتعداری به مرتع خود

مانند مزرعه نگاه کند و برای تأمین سود بیشتر مرتع را اصلاح و در بالا رفتن ظرفیت کمی و کیفی آن بکوشد.

- قوانین و ضوابط مربوطه باید ضمن نظارت و کنترل عملکرد مرتعدار در اجرای شرایط

دولت امنیت مالی و سود وی را نیز تضمین و او را به سرمایه گذاری بیشتر تشویق کنند.

- احیاء و اصلاح مرتع باید بر عهده مرتعدار باشد و دولت باید قانون گذار، اعتبار دهنده و

تأمین کننده امکانات لازم باشد.

- دولت باید با اعمال سیاستهای تشویقی مانند اعطای جوایز نقدی یا اعزاز به

کشورهای پیشرفته از نظر مرتعداری و اعطای مدال مرتعداران را تشویق کند.

- سازمان مسؤل مراتع باید هماهنگ با سایر ارگانها و نهادهای مملکت در سیاست

کنترل جمعیت کشور مشارکت جدی داشته باشد.

در صورت پذیرش کلیات مربوط به تغییر مدیریت و اداره مراتع و نحوه مالکیت و

بهره برداری از آنها لازم است جلساتی مشورتی و کارشناسی زیر نظر وزارت کشاورزی و

جهاد سازندگی تشکیل شود تا کارشناسان با هماهنگی و مشورت، طرح و لایحه قانونی

لازم را برای تصویب به مجلس تقدیم کنند.

به نظر نگارنده برای اصلاح محیط داشتن شناخت دقیق از آن - داشتن بینش و تعهد

لازم، اطلاع کافی از عکس العمل اجتماعی مردم- به کارگیری تکنولوژی مناسب و مدرن و بالاخره مدیریت صحیح و کارآمد ضروری و اجتناب ناپذیر است. با این مقدمات و امکانات است که کارشناسان باید دست در دست هم داده و طرحی نو در اندازند و گرنه طرحها و اقدامات انفرادی هیچ وقت به نتیجه نخواهد رسید.

در خاتمه لازم است یادآوری کنم، که برای مراتع وقفی می بایست در عین حال که کوشش می شود تا نظر واقف عمل گردد، باید در بالا رفتن ظرفیت غذایی مرتع و احیاء مجدد آن کوشش کرد. شاید هم مسأله اجاره دادن مراتع و کوشش در بالا بردن سطح درآمد مرتع مغایرتی با اصل وقف نداشته باشد هر چند که برخی نظر دارند که چون مرتع جزء انفال است اصلاً وقف کردن جایز نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی